

۱۳۷۳۷۷۱

شاهنامه (۲)

شاخ سرو و سایه فکن

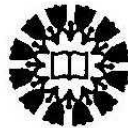
بگزیده داستانهای فرود، بیژن و منیژه
و رستم و اسفندیار

مقدمه، انتخاب و توضیحات

دکتر سید علی آیدنلو

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

سرشناسه: آیدنلو، سجاد، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور: شاهنامه / مقدمه، انتخاب و توضیحات سجاد آیدنلو.

مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز

تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ج.

فروست: «سمت»: ۱۸۷۵، ۱۹۱۳، زبان و ادبیات فارسی: ۹۱، ۹۳.

شابک: ۸-۱۸۳-۰۲-۶۰۰-۹۷۸-۹۰۰۰۰ ریال (ج. ۲)

شابک: ۱-۱۲۴-۰۲-۶۰۰-۹۷۸-۷۰۰۰۰ ریال (ج. ۱)

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Sajjad Aydenloo. Shāhnāme (vol. 2): Branch of Shady

Cypress (Chosen from Story of Forud, Bižan and Maniže and Rostam and Esfandyār).

یادداشت: کتابنامه.

مدرجات: ج. ۱. نامورنامه شهریار (برگزیده دیباچه، داستان هفت خان رستم، رستم و سهراب و

سروش ج. ۲. شاخ سرو سایه فکن (برگزیده داستان فرود، بیژن و منیژه و رستم و اسفندیار).

شناسه افرو ده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و

توسعه علوم انسانی.

رده بندی کنگره: ۱۳۴۴ ۹ ۴۴۹۰ PIR

رده بندی دیوبی: ۱/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷ ۶۵۶۳

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)



مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

شاهنامه (۲): شاخ سرو سایه فکن (برگزیده داستان فرود، بیژن و منیژه و رستم و اسفندیار)

دکتر سجاد آیدنلو (دانشیار دانشگاه پیام نور ارومیه)

ویراستار: دکتر سعیده کمایی فرد

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: «سمت»

چاپ: گلها (قم)، صحافی: زرین (قم)

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن «سمت»

یکی از هدفهای مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاهها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع بنیاد و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبانی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گامهایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، مطالعات و تحقیقات لازم بردارد و در رشته های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب نظران به شکی نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقاد و اصلاح آوره های پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «شاهنامه (۲)» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه مندان نیز از آن بهره مند شوند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	یادداشت آنرین
۳	مقدمه
۳	اشاره‌ای به «حماسه» و پیشینه تراویزات آن در تاریخ و ادبیات ایران
۱۴	نام و موضوع شاهنامه
۱۵	منابع شاهنامه
۱۹	تاریخ آغاز و پایان نظم شاهنامه و تاریخ ادبیات آن
۲۲	زبان و بلاغت شاهنامه
۲۹	هنر داستان‌پردازی فردوسی
۳۳	شاهنامه و هویت ملی ایران / ایرانی
۳۵	شاهنامه و تاریخ
۳۷	جغرافیای شاهنامه
۳۹	قرآن و حدیث و حکمت و تعلیم در شاهنامه
۴۳	زن در شاهنامه
۴۷	شاهنامه و اقوام دیگر (ترکان و اعراب)
۵۱	اشاره‌ای به نفوذ و تأثیر شاهنامه در فرهنگ و ادب ایران و جهان
۵۵	چند دیدگاه نادرست در شاهنامه‌پژوهی
۶۰	مخالفت با فردوسی و شاهنامه
۶۷	داستان فرود سیاوخش
۶۷	مقدمه
۶۷	لشکرکشی ایرانیان به توران و رویارویی با فرود
۷۲	نبرد ایرانیان با فرود و کشته شدن او

صفحه	عنوان
۸۰	توضیحات داستان فرود سیاوخش
۹۷	داستان بیژن و منیژه
۹۷	مقدمه
۹۸	رفتن بیژن به نبرد گرازان و گرفتار شدن در چاه افراسیاب
۱۰۷	رهانیدن رستم، بیژن را از بند
۱۲۲	توضیحات داستان بیژن و منیژه
۱۵۱	داستان رستم و اسفندیار
۱۵۱	مقدمه
۱۵۲	رفتن اسفندیار به نالستان برای بستن دست رستم
۱۶۰	دیدار و گفگ گوهای رستم و اسفندیار
۱۷۰	نبرد رستم و اسفندیار کشته شدن اسفندیار
۱۸۳	بردن پیکر اسفندیار به دیار گاسپ و پرورش بهمن در زابل
۱۸۶	توضیحات داستان رستم و اسفندیار
۲۳۹	منابع

به نام خداوند جان و خرد

یادداشت آغازین

همان گونه که در پیشگفتار کتاب *نامورنامه شهریار (شاهنامه (۱))* اشاره شد در طراحی که نگارنده برای نالی و کتاب درس *شاهنامه* در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه با پیسهاد کرده، هدف انتخاب ایاتی از بهترین و شاخص ترین بخشها و داستانهای حماسه ملی ایران بوده است. بر اساس این طرح و در پی مجلد نخست، در کتاب کنونی ۱۷۱ بیت از سه داستان فرود، بیژن و منیژه و رستم و اسفندیار برگزیده شده است. مقدمه کتاب دربردارنده بخشی است بسیار مختصر و مروری، در باب حماسه سرایی/نویسی در تاریخ و ادبیات ایران؛ پس از آن برخی از مهم ترین مسائل و موضوعات مربوط به شاهنامه، باز به اجمال - برای آشنایی دانشجویان و علاقه مندان آمده است که خواستار آید. تفصیل آنها را در مقدمه کتاب دیگر نگارنده با نام *دفتر خسروان* (تهران: سخن، ۱۳۰۰، - باب دوم ۱۳۹۴) و یا منابع ارجاع داده شده در زیرنویسها مطالعه کنند. در بخش توضیحات هم به شیوه کتاب پیشین عمل شده و فقط در معرفی کسانی که قبلاً در *شاهنامه (۱)* توضیحاتی درباره آنها آمده، به همان مطلب ارجاع داده و از تکرار پرهیز شده است.

گسترده گی و دشواری متن *شاهنامه* باعث می شود که بار دیگر نگارنده از همه استادان، محققان، مدرّسان، دانشجویان و علاقه مندان از این جان درخواست کند که لطفاً با تذکر سهر و خطاهای احتمالی موجود در مطالب مقدمه و تعلیقات این کتاب، یافته ها و راهنماییهای علمی خویش را از این بنده دریغ نفرمایند.

تألیف، چاپ و انتشار این کتاب نیز همچون شاهنامه (۱) مرهون الطاف، حمایتها و زحمات سروران ارجمند جناب آقای دکتر احمد احمدی، رئیس سازمان سمت، جناب آقای دکتر حسین هاجری، مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی سازمان، جناب آقای دکتر محمدجعفر یاحقی و جناب آقای دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، نخستین پیشنهاد کنندگان تألیف کتابهای درس شاهنامه به این جانب، سرکار خانم مریم فلاح شجاعی، کارشناس نستوه و نیک‌خوی گروه ادبیات فارسی و همه کوشندگان بخشهای مختلف سازمان سمت است. از یکایک این بزرگواران فرهنگت گستر هزاران بار سپاسگزاری می‌کنم و آرزو دارم دو کتاب شاهنامه (۱) و (۲) تا حدودی بتواند مقدمات آشنایی دانشجویان گرامی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را با حماسه ملی ایران فراهم آورد. ان شاء الله.

سجاد آیدیلو

اورمیّه - اردیبهشت ۱۳۹۳

aydenloo@gmail.com

www.ketab.ir

اشاره‌ای به «حماسه» و پیشینه و تطورات آن در تاریخ و ادبیات ایران
 واژه «حماسه» از «حَمَس» عربی به معنای «شدت و سختی در کار» و در اصطلاحات
 ادبی به مفهوم روایت داستانی منظوم یا منثور با موضوع پهلوانی و ویژگی ملی است که
 حوادث فراعادت و شگفت در آن روی می‌دهد.^۱ از دقت در این تعریف کوتاه اما نسبتاً
 جامع دانسته می‌شود که حماسه در معنای فنی و اصطلاحی آن چهار ویژگی اساسی
 دارد که عبارت است از: (۱) سبب داستانی، (۲) محتوای پهلوانی و دلاورانه، (۳) ویژگی
 ملی، (۴) بزرگ‌نمایی در لفظ (مبالغه و مضموع) (خوارق عادات و عجایب).
 غیر از این خصوصیات اصلی، ره‌انداز حماسی در میان ملل مختلف جهان
 ویژگی‌های جزئی‌تر دیگری هم دارد که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره
 می‌شود:

۱. حماسه مردم‌محور است و به وصف و سبایش انسانهای توانا و
 انجام‌دهندگان کارهای بزرگ می‌پردازد.
۲. غیر شخصی است و خصلت اجتماعی دارد.
۳. مدعی حقیقت است و به سخن گذشتگان مستند می‌شود.
۴. حوادث آن در بستر زندگی واقعی رخ می‌دهد.
۵. قلمرو جغرافیایی داستانها و رویدادهایش بسیار گسترده است.
۶. در آن به زمان خطی و مکان واقعی بی‌توجهی می‌شود.
۷. صورت منظوم آن در قالب مثنوی و غالباً وزن واحدی سروده می‌شود.

۱. ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲ الف، ص ۹.

۸. در بعضی داستانهای آن تناقض وجود دارد.
 ۹. تشبیه جزء اصلی بیان حماسی است.
 ۱۰. در توصیفات حماسه به جزئیات توجه می‌شود.
 ۱۱. پهلوان و حفظ نام و حیثیت او جای نمایانی در آن دارد.
 ۱۲. نبرد تن به تن در حماسه مهم است.
 ۱۳. از اسبان ویژه و رزم‌افزارهای مخصوص در آن یاد می‌شود.
 ۱۴. دیو، اژدها، جادو، غول، پری و موجودات شگفت در آن نقش آفرینند.
 ۱۵. کاخها و خانه‌های شکوهمند در آن وصف می‌شود.
 ۱۶. سفرهای طولانی و مخاطره‌آمیز در حماسه روایت می‌شود.
 ۱۷. زین‌رین و کین‌توزی در حماسه‌ها دیده می‌شود و ...^۱
- خاستگاه نخستین حماسه، سرودهای پهلوانی است که راویان آنها را به صورت شفاهی در دربارها، بزمهای بزرگان و نیز بین عموم مردم می‌خواندند و بعدها این داستان - سرودهای شفاهی به شکل مکتوب درآمد و نگه داشته شده است.^۲ داستان‌گزاران شفاهی در میان لیل گوناگون با القاب و عناوینی خواننده می‌شدند که شماری از معروف‌ترینشان چنین است: راپسود در یونان، ژونگلور و ترور در فرانسه، اشیلیمان در میان ژرمنها، اسکند در نروژ، اسکوپ در انگلستان، اسکوموروخی در روسیه، بارد در سلت، گورلار در میان صربها، مابو در قبایل سودان و عاشیق در قفقاز، آسیای میانه و آذربایجان. در ایران پیش از اسلام از دوره اشکانیان تا روزگار ساسانیان، راویان داستانها در میان عامه مردم یا در دربارها و

۱. درباره ویژگیهای حماسه، ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۶ الف، صص ۱۸، ۲۳، ۲۷-۳۱، ۳۸، ۳۹، ۵۳، ۵۷، ۶۳، ۸۵، ۹۷، ۹۸ و ۱۰۴؛ شمیسا، ۱۳۷۵، ص ۶۴؛ مختاری، ۱۳۶۸، صص ۷۶-۷۹ و نیز، ر.ک: باختین، میخائیل، *تخیل مکالمه‌ای* (جستارهایی درباره رمان)، ترجمه رؤیا پورآذری، تهران، نی، ۱۳۸۷، صص ۴۶-۵۴؛ شیرزی، قهرمان، «نقد حماسه و تراژدی براساس کلیدر دولت‌آبادی»، *کاووش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، سال دهم، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۶۶ و ۶۷.

۲. ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۶ ب، ص ۷۳۸.

۳. ر.ک: همو، ۱۳۸۶ ب، ص ۷۳۹؛ مختاری، ۱۳۶۸، صص ۳۷، ۳۸ و ۴۲.

مجالس اعیان «گوسان» نامیده می‌شدند^۱ که نقش آنها در ایران عصر اسلامی از سوی شاهنامه‌خوانها، دفترخوانان (خوانندگان داستان از روی کتاب و متن مکتوب) و نقالان ادامه یافته است.

همان‌گونه که گفته شد داستانها و سرودهای حماسی شفاهی - که سالها توسط این راویان زبان به زبان نقل و حفظ می‌شد - در برهه‌های مختلفی از تاریخ تمدن و فرهنگ و ادب ملل و کشورهای گوناگون به گونه نوشتاری درآمده است و امروز مبنای دیرری و بررسی محققان درباره نوع ادبی «حماسه» و آثار حماسی همین مکتوبات باقی مانده است. قدیمی‌ترین حماسه مکتوب جهان، روایت گیلگمش بابلی است که در سد هفتم پیش از میلاد نگاشته شده.^۲ غیر از این از متون و داستانهای حماسی معروف دیگری می‌توان به ایلید و اُدیسه یونانی، انه اید رومی، مهابهاراتای هندی، کوهولین / کوخولین ایرلندی، هیلده براند ژرمنی، رولاند فرانسوی، سید اسپانیایی، ادای ایسلندی، بیوولف آلمانی، مارکو کرالویچ سربی، ایگر، یلینی و استارینی روسی، کالوالای فنلاندی، لارید ساسونی ارمنیان، پلنگینه پوش گرجی، نارت‌های آسی، دده قورقود آغوزی و کوراوغازی آذربایجانی نام برد.^۳

با اینکه سابقه کاربرد اصطلاح «حماسه» در زبان فارسی بسیار متأخر و مربوط به حدود هشتاد سال پیش است که بعد از کنگره هزاره فرانسوی در سال (۱۳۱۳ ه.ش) به صورت معادل epic فرنگی به کار رفته و به دلیل حرارت استفاده توسع معنایی نیز یافته است،^۴ شواهد وجود اشارات و داستانهای حماسی در ایران بسیار باستانی است و به دوره مادها می‌رسد. برای نمونه گزارش کتزیاس، مورخ یونانی، از

۱. برای آگاهی مفصل درباره «گوسان»، ر.ک: بویس، مری، «گوسان پارتی و سنت نوازندگی در ایران»، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تحقیق و بررسی توس، به کوشش محسن باقرزاده، تهران، توس، ۱۳۶۹، صص ۲۹-۶۴.

۲. ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۲۰.

۳. برای آشنایی کوتاه با این متون و روایات، ر.ک: همان، صص ۱۲۱-۱۳۰، ۱۳۶ و ۱۳۷ و برای دیدن خلاصه برخی از آنها و چند حماسه دیگر، ر.ک: شالیان، ژرار، گنجینه حماسه‌های جهان، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، چشمه، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

۴. ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲ ب، ص ۶.

رویدادهای مربوط به چگونگی تأسیس دولت ماد را از داستانهای حماسی مادی دانسته‌اند.^۱ از پاره‌ای مطالب کتاب عهد عتیق (تورات) و نوشته‌های مورخان یونانی چنین برمی‌آید که برخی روایات حماسی، اساطیری و تاریخی در زمان هخامنشیان به دو صورت شفاهی و مکتوب وجود داشته و احتمالاً گونه‌های نوشتاری آنها در خزانه‌های شاهی نگه‌داری می‌شده است.^۲ در اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان، بعضی توصیفات یشت‌های پنجم، هشتم، نهم، دهم و نوزدهم را از نمونه‌های کهن و اولیه نوعی سرود حماسی محسوب کرده‌اند.^۳ در اوستا به نامها و داستانهای شخصیت‌هایی مانند کیمرث، هوشنگ، تهمورث، جمشید، اژی‌دهاک (ضحاک)، فریدون، کیقبا، کاووس، سیاوش، کیخسرو، گشتاسپ، گرشاسپ، افراسیاب، هوم، توس، زریر، بستور و آرش اشاره شده است^۴ که همه از شهریاران و یلان و کسان روایات ملی-پهلوانی ایران هستند. تفصیل سرگذشت و کردارهای آنها در متون و روایات پس از اوستا به ویژه در آثار بعد از اسلام دیده می‌شود.

مهم‌ترین و بیشترین آثار و اشارات مربوط به ادب حماسی ایران در دوره پیش از اسلام به زبان پهلوی است. اشارات و اشارات مختلف به ما رسیده است که از آن میان می‌توان کتاب سکسیران، کتاب بیکار، پهلوی داستان رستم و اسفندیار، اسکندرنامه پهلوی، بختیارنامه، داستان بهرام شوین، چوبین، سیره اسفندیار، فرامرزنه پهلوی، هزار افسان، کتاب کی لهراسپ و نامه پیران، ویسه را نام برد.^۵ از کتابهای موجود، اشارات برخی بخشهای دینکرد مانند کتاب اول، دوم، هفتم، هشتم

۱. در این باره ر.ک: تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۱۸؛ زرشناس، ۱۳۸۴، صص ۱۰-۱۳.

۲. در این باره ر.ک: امیدسالار، ۱۳۸۹ الف، ص ۹۰؛ تفضلی، ۱۳۷۶، صص ۳۰ و ۳۱؛ خالقی

مطلق، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۳۲؛ هوم، ۱۳۹۱ الف، ص ۱۳۰؛ زرشناس، ۱۳۸۴، صص ۲۲-۳۰.

۳. ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۶ ب، صص ۷۳۸.

۴. در این باره، ر.ک: تفضلی، ۱۳۷۶، صص ۴۶-۵۹؛ دوستخواه، ۱۳۸۴ الف، صص ۱۵-۶۲؛

زرشناس، ۱۳۸۴، صص ۳۳-۴۳؛ یارشاطر، ۱۳۸۳، صص ۵۲۳-۵۲۶.

۵. درباره این آثار، ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۶ ج، صص ۳۳، ۳۴، ۵۶، ۸۲، ۸۵، ۹۳، ۹۹ و ۱۰۵؛

تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۹.

و مخصوصاً نهم^۱، گزارشهای بندهش، گزیده‌های زادسیرم، روایت پهلوی، مینوی خرد، زند و همن یسن و ماه فروردین روز خرداد، کتاب اردشیر بابکان (که در اواخر عهد ساسانیان نوشته شده و تاریخ آمیخته با افسانه اردشیر ساسانی است)^۲ و یادگار زریران (که درباره نبرد ایرانیان به سرکردگی گشتاسپ با خیونان به مهتری ارجاسپ است و ظاهراً اصل آن به زبان پارسی و پهلوی اشکانی، و نثر توأم با شعر بوده)^۳ درخور ذکر است.

مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر پهلوی درباره تاریخ ملی و داستانهای پهلوانی ایران، خدای‌نامه بود که شوربختانه هم اصل پهلوی و هم ترجمه‌های عربی آن از بین رفته است. این مجموعه سه روایت ملی و پهلوانی را از زمان گیومرث، نخستین شاه / انسان تا یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، شامل می‌شده، احتمالاً در روزگار انوشیروان و براساس دفترنامه موجود در خزاین دربار ساسانیان، گزارشهای شفاهی و رساله‌های مرتبط با موضوع آن تدوین شده بوده است ولی تکمیل اخبار آن در عصر شاهان بعد از انوشیروان نیز ادامه داشته است. حتی پس از کشته شدن یزدگرد و فروپاشی ساسانیان، چگونگی مرگ این پادشاه هم بر آن افزوده شده است.^۴

درباره سنت حفظ و نقل داستانهای حماسی پهلوانی در دوره ساسانی و به زبان پهلوی باید این نکته را هم افزود که در شاهنامه از خواند شدن نامه باستان در بزهای بهرام گور و نقل روایات شهریارانی چون جمشید و فریدون در راه شکار برای همین شاه یاد شده است. بهرام چوبین به رامشگر می‌گوید که استاد هفت‌خان اسفندیار را برای او بخواند و هر مزد از پسرش خسرو پرویز می‌خواهد که پیری دانا را نزد او بفرستد تا داستانهای شاهان پیشین را از دفتری برای وی نقل کند.^۵ این اشارات

۱. ر.ک: همو، صص ۱۳۶ و ۱۳۹؛ دستخواه، ۱۳۸۴ الف، صص ۶۹ و ۷۰.

۲. برای آگاهی بیشتر درباره این متن، ر.ک: تفضلی، ۱۳۷۶، صص ۲۶۰-۲۶۴.

۳. در باب این کتاب نیز، ر.ک: همو، صص ۲۶۷ و ۲۶۸.

۴. برای تفصیل، ر.ک: امیدسالار، ۱۳۸۸ الف، صص ۱۹-۲۴؛ تفضلی، ۱۳۷۶، صص ۲۶۹-۲۷۴؛

خالقی مطلق، ۱۳۸۶ ج، صص ۳۴-۶۳؛ فیروزبخش، ۱۳۹۰، صص ۲۳۶-۲۴۱.

۵. برای دیدن بیتها، ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶، ۳۱۹/۴۲۲/۶؛ ۳۵۷/۴۴۵/۶؛ ۱۶۹۷-۱۶۹۴/۶۰۷/۷؛

مهم هم نشان‌دهنده وجود منابع مکتوب از اخبار حماسی، اساطیری و ملی ایران در عصر ساسانیان و خواننده شدن آنهاست. در بحث از سیر ادب حماسی حتماً باید از داستان نبرد رستم و دیوان به زبان سفدی^۱ و اشاره‌های موجود در آثار مانوی از جمله کتاب غولان مانی هم یاد کرد.^۲

حمزه اصفهانی (حدود ۲۸۰-۳۵۱ تا ۳۶۰ ه.ق) در کتاب *المثال الصادره عن بیوت الاشعار* نوشته است که در زمان وی (قرون سوم و چهارم هجری) بیش از ده هزار ورق به خط پارسی از روایات تاریخی و غنایی وجود داشته که ایرانیان به نظمی بی‌قافیه درباره ساها، خویش سروده بودند.^۳ این اشاره بسیار مهم که تاکنون مورد توجه دقیق محققان قرار نگرفته، به شرط صحت و اصالت، سند ارزشمندی برای سنت تدوین و نظم روایات ملی ایران و وجود داستانهای منظوم مفصل در سده‌های سوم و چهارم است و دانسته نیست که برای «خط پارسی» در آن فارسی دری است یا پهلوی؟

جز از این اشاره بررسی نشده و فعلاً مبهم، کهن‌ترین گزارش منشور حماسی به زبان فارسی و در ایران پس از آن، کتاب آزاد سرو مروی است که در اوایل قرن سوم در دستگاه احمد بن سهل در مرو می‌زیست. احتمالاً کتاب او بیشتر شامل داستانهای رستم و دلاوران سیستان بوده و دوریست که ترجمه فارسی کتاب پهلوی سکسیران بوده باشد.^۴ کتاب آزاد سرو موجود نیست و ما از مقدمه داستان رستم و شغاد در شاهنامه از وجود آن آگاهی داریم. غیر از این کتاب و شاهنامه‌های منشوری که در ادامه اشاره خواهیم کرد، آثار دیگری نیز به زبان فارسی نوشته شده بوده که در بردارنده اخبار ملی و حماسی بوده ولیکن به دست ما نرسیده است، از آن جمله است: کتاب گرشاسپ از ابوالمؤید که ظاهراً همان ابوالمؤید بلخی، صاحب یکی از شاهنامه‌های منشور است؛ اخبار فرامرز که به نوشته تاریخ سیستان دوازده مجلد بوده

۱. درباره این داستان، ر.ک: قریب، ۱۳۵۷، صص ۴۴-۵۳؛ همو، ۱۳۷۷، صص ۲۳۳-۲۶۲.

۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: زرشناس، ۱۳۸۴، صص ۱۰۲-۱۰۴؛

Skjaervø, P. O.: "Iranian; Epic and the Manichean Book of Giants, Irano - Manichaica III", *Acta Orientalia Academia Scientiarum Hang Tomas*, XLVIII, 1995 (1-2), pp. 187-223.

۳. در این باره، ر.ک: De Blois, 1998, p. 474.

۴. ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۶ ب، ص ۷۴۲.

است؛ *گردنامه* تدوین رستم لارجانی در چندین جلد درباره اخبار پادشاهی گیومرث تا شمس الدوله ابوطاهر دیلمی (حکومت ۳۸۷-۴۱۲ ه.ق) و کتاب *پیروزان* که به گزارش *ترهت نامه* علایی، پیروزان معلم شمس الملک فرامرزن بن علاءالدوله، آخرین فرمانروای سلسله کاکویه در اصفهان (۴۳۳-۴۴۳ ه.ق)، از پهلوی به فارسی دری ترجمه کرده دوهزار ورق بود.^۱

مهم ترین اقدام برای گردآوری روایات حماسی-اساطیری ایران در عصر اسلامی، سنن / *نصت* تدوین و نظم شاهنامه های گوناگون در سده چهارم بوده است. در این دوران افزون بر *شاهنامه* فردوسی چند اثر دیگر نیز با نام *شاهنامه* به نثر یا به نظم به وجود آمده است که در اینجا به کوتاهی معرفی می کنیم:

۱. *شاهنامه ابوالمؤید*. *نظم* (*شاهنامه مؤیدی*): ابوالمؤید بلخی شاعر و نویسنده سده چهارم شاهنامه ای به سرلیف کرده بود که ظاهراً مجموعه حجیمی بوده و به نام *شاهنامه بزرگ* خوانده می شده است. این اثر که تا قرن هفتم یا هشتم موجود بوده بعدها از بین رفته است.^۲

۲. *شاهنامه ابوعلی بلخی*: از این کتاب فقط در *آثارالباقیه* بیرونی یاد شده است و آگاهی دیگری درباره آن نیست. احتمال داده اند که باید ابوعلی همان ابوالمؤید بلخی باشد و این *شاهنامه* هم به نثر بوده است.^۳

۳. *شاهنامه مسعودی مروزی*: این *شاهنامه* که تاکنون در سه منبع *(البدء و التاریخ مقدسی، غرر اخبار ثعالبی و کوش نامه)* اشاراتی به آن یافت شده، به نظم بوده و مقدسی سه بیتش را در *آفرینش و تاریخ* آورده است. مسعودی احتمالاً در سده چهارم در مرو می زیست و شاید موضوع اثر او نیز مانند *شاهنامه* فردوسی از روزگار گیومرث تا یزدگرد بوده است.^۴ متأسفانه این *شاهنامه* هم به دست ما نرسیده است.

۱. درباره این آثار، ر.ک: همان جا؛ خالقی مطلق، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۲۹.

۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: میرافضلی، ۱۳۸۴، صص ۱۸۵-۱۸۸.

۳. ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۴، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

۴. ر.ک: همو، ۱۳۹۱ ج، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۴. شاهنامه ابومنصوری: مجموعه‌ای که به فرمان ابومنصور محمد بن عبدالرزاق فرمانروای توس و به یاری پیشکار وی ابومنصور معمری تألیف و در محرم ۳۴۶ ه.ق به پایان رسید. این کتاب به نثر بوده و غیر از مقدمه سایر بخش‌هایش مفقود شده است. شاهنامه ابومنصوری اصلی‌ترین مأخذ فردوسی در نظم شاهنامه بوده است.^۱

۵. شاهنامه دقیقی: دقیقی توسی (زاده پس از ۳۲۰ ه.ق - حدود ۳۶۶ ه.ق) در سال ۳۶۵ یا ۳۶۶ نظم شاهنامه ابومنصوری را آغاز کرد ولی بیش از هزار و چند بیت از پادشاهی گشتاسپ نسروده بود که کشته شد و کارش ناقص ماند.^۲ فردوسی این ابیات را در شاهنامه آورده و مانع نابودی آنها شده است.

در کنار شاهنامه فردوسی و سایر شاهنامه‌های منثور و منظوم، در منابع تاریخی نوشته شده به زبانهای فارسی و عربی نیز اخبار و اشارات ملی-پهلوانی ایران و گزارش سلسله‌های شهریارای ایران پیش از اسلام - البته با تفاوت در کم و کیف و اهمیت - آمده است و این متون را هم باید جزو مأخذ روایات حماسی-اساطیری به شمار آورد. نام مهم‌ترین این منابع برای اطلاع دانش‌جویان و علاقه‌مندان ذکر می‌شود: تاریخ طبری، تاریخ بلعمی، تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال دنوری، مروج الذهب و التنیبه و الاشراف مسعودی، سنی ملوک الارض و الانبیای حمزه صفه‌بان البدء و التاریخ مقدسی، آثار الباقیه بیرونی، غرر اخبار ملوک الفرس ثعالبی، نهج البلاغه العرب، تجارب الامم ابن مسکویه، زین الاخبار گردیزی، مجمل التواریخ و القصص حجاب الامم فی اخبار ملوک العرب و العجم، الکامل ابن اثیر، فارس‌نامه ابن بلخی، تاریخ سیستان، تاریخ قم، تاریخ بخارا، تاریخ طبرستان، طبقات ناصری جوزجانی (منهاج سراج)، تاریخ گزیده مستوفی، روضة‌الصفای میرخواند و حبیب السیر خواندمیر.^۳

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۹۱، د، صص ۱۲۳-۱۲۵.

۲. ر.ک: همو، ۱۳۸۸ الف، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۳. برای آشنایی با چگونگی روایات ملی در برخی از این آثار، ر.ک: یارشاطر، ۱۳۸۳، صص ۴۷۲-۴۷۶ و برای دیدن گزارشهای موضوع‌بندی شده بعضی از این منابع، ر.ک: صدیقیان، مهین‌دخت، ۱۳۷۵؛ میرعابدینی، سید ابوطالب و مهین‌دخت صدیقیان، ۱۳۸۶.

ادب منظوم حماسی ایران - با توسع در کاربرد اصطلاح «حماسه» و «حماسی» - پس از شاهنامه فردوسی در سه حوزه موضوعی پهلوانی، دینی-مذهبی و تاریخی در قالب منظومه‌های مقلد / پیرو شاهنامه ادامه یافته است. قدیمی‌ترین منظومه پهلوانی بعد از فردوسی، گرشاسپ‌نامه اسدی توسی (پایان سرایش: ۴۵۸ ه.ق) است و پس از آن آثاری نظیر بهمن‌نامه، کوش‌نامه، فرامرزن‌نامه، برزرونامه، جهانگیرنامه، سام‌نامه، بانوگشسپ‌نامه، شهریارنامه، شیرنگ‌نامه، بیژن‌نامه و رستم و کک کوهزاد در این حوزه سروده شده است.^۱ از متنیهای دینی-مذهبی، علی‌نامه ربیع (سرود: ۴۸۱ ه.ق)، کهن‌ترین اثر شناخته شده است^۲ و خاوران‌نامه ابن حسام، شاهنامه حیرتی تری، حب‌قیران‌نامه، حمله حیدری راجی کرمانی و باذل مشهدی، خداوندنامه عبادی اردبیل، بهشت‌نامه سروش از نمونه‌های معروف‌تر محسوب می‌شود.^۳ از منظومه‌های تاریخی هم می‌توان به اسکندرنامه نظامی، شاهنشاه‌نامه پاییزی، ظفرنامه مستوفی، شهنشاه‌نامه احمد تبریزی و شهنشاه‌نامه فتحعلی خان صبا اشاره کرد.^۴ در تاریخ ادبیات فارسی منظم‌هایی هست که موضوع آنها غنایی (عاشقانه) - پهلوانی است و اصطلاحاً رُماز خواند می‌شود. گاهی این آثار نیز به دلیل داشتن حوادث دلاوری و شگفت، قالب مازد و بحر متقارب ذیل متون منظوم حماسی و منظومه‌های متأثر از شاهنامه معرفی می‌شود. ورقه و گلشاه عیوقی، همای‌نامه از ناظمی ناشناس، همای و همایون و کاسه‌یوم روز خواجوی

۱. برای آگاهی کامل درباره این منظومه‌ها از جمله، ر.ک: آیدنلو، سجّاد، متون منظوم پهلوانی، تهران، سمت، ۱۳۸۸، صص ۱۳-۴۹؛ رزمجو، حسین، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۱۱۶-۱۴۲؛ صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۳، صص ۲۸۳-۳۴۰.
۲. درباره این منظومه، ر.ک: علی‌نامه (منظومه‌ای کهن) (مجموعه مقالات)، آینه میراث، سال هشتم، ضمیمه شماره ۲۰، سال ۱۳۸۹.
۳. برای معرفی این آثار، ر.ک: رزمجو، حسین، ۱۳۸۱، صص ۲۲۹-۲۶۸؛ صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۳، صص ۳۷۷-۳۹۰. درباره تطوّرات منظومه‌های دینی-مذهبی نیز، ر.ک: شهبازی، اصغر، «روند شکل‌گیری حماسه‌های دینی در ادب فارسی»، کتاب ماه ادبیات، سال هفدهم، شماره ششم (پیاپی ۱۹۸)، فروردین ۹۳، صص ۷۷-۸۵.
۴. ر.ک: رزمجو، حسین، ۱۳۸۱، صص ۱۵۹-۲۱۲؛ صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۳، صص ۳۴۳-۳۷۶.

کرمانی و جمشید و خورشید سلیمان ساوجی از جمله این آثارند. در دوره صفویه و قاجاریه اقبال ویژه‌ای به سرایش این گونه منظومه‌ها (مانند: *نوش آفرین‌نامه*، *فلک‌نازنامه*، *بهرام و گلندام* و ...) وجود داشته است. این نکته را هم باید خاطر نشان کرد که نظم منظومه‌های پیرو *شاهنامه* در دوران معاصر نیز ادامه یافته است و از نمونه‌های آنها می‌توان *قیصرنامه* استاد ادیب پیشاوری (درباره ویلهلم امپراتور آلمان) *میکادونامه* تاجر شیرازی (درباره جنگ روسیه و ژاپن در سالهای ۱۹۰۴-۱۹۰۵ م)، *شاهنشاهنامه* هُدا، سروده ماشاءالله هداوند (درباره روزگار پهلوی اول و دوم) و *شاهدنامه* اثر بهمن کرمی (خاک) (درباره رویدادهای جنگ ایران و عراق) ^۱ نام برد.

بخش دیگر و مهم‌تر توجهی از میراث ادب پهلوانی ایران در قالب روایات منثور حفظ شده است که غالباً از آنها با نام داستانهای عامیانه یاد می‌شود. اطلاق صفت عامیانه بر این آثار یک وجهی است، و اهمیت بیشتر شعر و نظم نسبت به نثر در تاریخ فرهنگ ایران از سوی دیگر و نیز منلوم بودن بزرگ‌ترین اثر حماسی ایرانیان *شاهنامه* و مهم‌ترین متون پس از آن، باعث غفلت از منابع منثور با موضوع پهلوانی، و به نوعی انحصار گونه «حماسه» به شعر و آثار منظوم در مباحث و تحقیقات ادبی شده است. ^۲ برخی از مهم‌ترین کتابها و منابع ادب منثور پهلوانی عبارت است از: *سمک عیار*، *اسکندرنامه* منسوب به کالیستنس دره‌گیر، *ابومسلم‌نامه* و *داراب‌نامه* ابوطاهر طرسوسی / طرسوسی، *فیروزشاه‌نامه*، *بختیارنامه*، *حمزه‌نامه* (رموز حمزه)، *داراب‌نامه* مولانا محمد بیغمی، *قهرمان‌نامه*، قصه حسین کریم‌شیر، *شیرویه‌نامه*، *ملک جمشید*، *امیراسلان* ^۳ و طومارهای نقالی که روایات متعدد، متنوع و تازه‌ای از

۱. درباره این منظومه، ر.ک: رزمجو، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۳۷۹-۳۸۶.

۲. برای بحثی در این باره، ر.ک: جعفرپور، میلاد و مهیار علوی مقدم، «نگاهی انتقادی به نوع ادبی حماسه در ادبیات فارسی»، *مجله شعرپژوهی (بوستان ادب)*، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۴۱-۶۶.

۳. برای آشنایی کوتاه با بعضی از این متون و داستانها، ر.ک: ذوالفقاری، حسن، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۳۰۳-۳۰۶.

سنت داستانی ایران در حوزه حماسه در آنها آمده است و حتماً باید مورد توجه دانشجویان، محققان و علاقه‌مندان حماسه‌پژوهی قرار بگیرد.

در بررسی سیر ادب حماسی ایران معمولاً این سخن معروف تکرار می‌شود که پس از سده‌های سوم و چهارم هجری - که به دلیل واکنش فرهنگی فرهیختگان ایرانی به چیرگی اعراب بر ایران و سپس آغاز قدرت‌یابی سلسله‌های ترک‌نژاد، عصر تدوین سرایش شاهنامه‌ها بوده است -^۱ به تدریج از توجه به داستانهای ملی-پهلوانی کاسته می‌شود؛ در حالی که نگاهی جامع به روند نظم منظومه‌های پهلوانی (از نرن پنجم تا عصر صفوی)، تحریر و تدوین روایات مشهور پهلوانی (از سده ششم تا عصر باجاری) و سرایش انواع منظومه‌های دینی و تاریخی پیرو شاهنامه (از سده پنجم تا روزگار معاصر) به خوبی نشان می‌دهد که نه تنها بعد از قرن چهارم و مخصوصاً پس از سده‌های ششم و هفتم، داستانهای پهلوانی و منظومه‌سرایی به شیوه فردوسی از دایره توجه و علاقه ادب عام مردم به دور نمانده بلکه بلندترین منظومه‌های پهلوانی متأثر از شاهنامه - یعنی آثاری مانند *برزنامه* و *زرین‌قبانامه* - و طومارهای پربرگ نقالی همه بعد از این ادوار و در سده‌های نهم و دهم و پس از آن نظم و تدوین شده است، اما به سبب گسترش موفرخانات - کمی، عرفانی و غنایی در فرهنگ ایران و کمیت زیاد این گونه آثار در مقایسه با نون و منظومه‌های پهلوانی، آثار مربوط به ادب حماسی نمود کمتری یافته و به سبب - اوری کلی و نادرست پیش گفته شده است.

در پایان بحث بسیار کوتاه و مروری حماسه در ادب ایران باید به این موضوع هم اشاره کرد که نوع ادبی «حماسه» با توجه به متون و روایات ملل مختلف جهان از دیدگاههای گوناگون به صورتهای متعدد و متنوعی تقسیم‌بندی شده است و برای بعضی از این بخش‌بندیها می‌توان شواهدی از آثار ایرانی هم ذکر کرد. شاید معروف‌ترین تقسیم‌بندی - حداقل در تحقیقات ایرانی - قایل شدن به دو گونه حماسه طبیعی (روایات آفریده نسلهای یک قوم و ملت در طول سالیان دراز) و

۱. این نوع واکنش در میان بعضی ملل دیگر هم وجود داشته است. ر.ک: مختاری، ۱۳۶۸،

مصنوعی (روایات برساخته ذهن یک شاعر یا داستان پرداز) باشد اما در کنار این، حماسه به انواع دیگری مانند: اسطوره‌ای، پهلوانی، دینی، تاریخی، کمدی (فکاهی / طنز)، عرفانی، دروغین، بدوی، توده‌ای، اشرافی، سنتی، ساختگی، هنری، عامیانه، منظوم، مثنوی، شفاهی (بدیهی) و نوشتاری نیز تقسیم شده است که توضیح آنها را باید در منابع مربوط خواند.^۱

نام و موضوع شاهنامه

ترکیب «شاهنامه» یا مخفف آن «شهنامه» که در بحر متقارب می‌گنجد در سراسر اثر فردوسی بکلیت به کار نرفته و دو کتاب تاریخ سیستان - مشروط به صحت و اصالت این بخش - و گرشاسپ‌نامه اسدی کهن‌ترین منابعی است که حماسه فردوسی را شاهنامه / شهنامه نامیده‌اند.^۲

همان‌گونه که اثبات شایسته از فردوسی آثار دیگری نیز با عنوان «شاهنامه» خوانده شده و این نام‌گذاری بر اساس سنتی ادبی در تاریخ ایران صورت گرفته است.^۳ توضیح اینکه چون اساس بنسب بدی تاریخ ایران پیش از اسلام - به ویژه در دوره ساسانیان - آغاز و پایان فرمانروایی هر یک از شاهان بوده، کتابهای مربوط به اخبار ملی و پهلوانی نیز در انتساب به شاهان خدایان در فارسی میانه: خوتای نامگ / Xwatay-nāmag) و در فارسی دری شاهنامه نامیده شده است. پس شاهنامه یعنی نامه‌ای (کتابی) که در آن تاریخ ملی / روایی ایران^۴ بر پایه تقسیم‌بندی به ادوار شهریاری پادشاهان گزارش شده است یا به بیانی دیگر نامه اخبار شاهان.

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: امیدسالار، ۱۳۸۹ الف، صص ۸۹ و ۹۰؛ خالقی مطلق، ۱۳۸۶ الف، ص ۱؛ همو، ۱۳۸۶ ب، ص ۷۴۰؛ شفیع کدکنی، ۱۳۷۲ ب، ص ۵؛ شمیسا، ۱۳۷۵، صص ۵۲-۵۴؛ صفا، ۱۳۶۳، صص ۵-۷.

۲. به ترتیب، ر.ک: تاریخ سیستان، ۱۳۸۷، ص ۵۳؛ اسدی، ۱۳۱۷، صص ۱۴-۱۸ و ۱۹.

۳. در این باره، ر.ک: متینی، ۱۳۶۹ الف، صص ۷۴۲-۷۴۶.

۴. درباره مفهوم «تاریخ ملی یا روایی» در بخش «شاهنامه و تاریخ» در همین مقدمه توضیح داده خواهد شد.